

قیمت: قبلاً حساب شده:

سرخابی های پایتخت در باتلاق پول (جراید)



کارتون: محسن علی راجی

کلیک / صفحه ۸

داستان
مشق شب

گبر کی / صفحه ۴

بررسی خیابانی کارشناسانه
علل افت معدل دانش آموزان

گزارش یک نقد / صفحه ۲

پلخمون به سبک
گل آقا

نیم سوز شدن کارمندان!

- سلام جمعه!
- سلام پنجشنبه!
- خوش به حالت جمعه!
- چرا پنجشنبه؟!
- چون که تعطیلی جمعه!
- درست حرف بزن! عمه ت تعطيله! من خیلی هم عاقلم!
- نه جمعه! منظورم این نبود که از مخ تعطیلی! می گم خوش به حالت که تعطیل رسمی هستی!
- آها! مگه خودت هم تعطیل نشدی پنجشنبه؟!
- نه جمعه! من امسال مثل برق، هی قطع و وصل می شم! هی تعطیل می کنن، دوباره غیر تعطیل اعلام می شم! دیگه کارمندا نیم سوز شدن بس که تعطیلی من، اعلام و لغو شده!
- خب چرا یک تصمیم قطعی درباره تعطیلی تو نمی گیرن؟!
- چون اونایی که باید نظر نهایی رو بدن، خودشون تعطیلن! الان فحش سیاسی دادی پنجشنبه؟!
- نه جمعه! من غلط بکنم! منظورم این بود که اون خودشون پنجشنبه ها تعطیلن! آخه تصمیم گیرنده ها توی پایتخت نشستن. تهران هم که پنجشنبه ها تعطيله. پس دیگه براشون فرقی نداره پنجشنبه تعطیل بشه یا نشه!
- خب پنجشنبه! تصمیم گیری رو بذارن به عهده اونایی که پایتخت نشین نیستن!
- به عهده اوناهم گذاشتن جمعه! اون مدیراهم چون در طول هفته دورکاری دارن، تصمیم گیری واسه تعطیلی من رو به پنجشنبه هاموکل می کنن، و چون معمولاد رجاهای خاصی شاغل هستن که اون ادارات هم پنجشنبه ها تعطیلن، هی جلسه تصمیم گیری می افته به هفته بعد!
- مثل اونایی که می خوان ورزش و باشگاه روز شنبه شروع کنن، پنجشنبه؟!
- من شنبه ام! کسی با من کار داشت؟!
- نه شنبه با تو کار نداریم. فقط یک مثال در مورد تو زدیم!
- آره جمعه، مثل همونا. هی می گن پنجشنبه بعدی حتما تصمیم می گیریم!
- خب پنجشنبه! من برم تا تعطیلی من رو هم ننداخن به شنبه!
- من شنبه ام! کسی با من کار داشت؟!

صفحه ۲
۱۹ مهر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۰

گزارش یک نقد

مجتبی نخعی زاد

پلخمون به سبک گل آقا

در جلسه نقد و بررسی پلخمون در حاشیه یازدهمین رویداد ملی آموزشی طنز «قلمه»، نظرات جمعی از اساتید برجسته طنز کشور را درباره پلخمون جویا شدیم.



استاد اسماعیل امینی (شاعر طنز): طنز مکتوب با سایر قالب های ارائه طنز مثل استندآپ و آنچه در فضای مجازی می بینیم متفاوت است. مانند آنچه مرحوم دهخدا در طنزها و لغت نامه اش انجام داد که سال های سال است اثرگذاری آن ادامه دارد و خواهد داشت. پرورش نیروهای با استعداد طنزنویسی هم باید مورد توجه پلخمون باشد.

عباس حسین نژاد (نویسنده طنز و شاعر): سبک کارگل آقا در پلخمون هم رعایت شده و با رعایت یک سری اقتضائات برخی قالب های محتوایی به روزرسانی شده است. درگرافیک و صفحه آرایی چشمگیر است. در محتوا هم ستون های «ورچه» و «شوخی» اتفاق خوبی در پلخمون است. من نمره ۱۷ به پلخمون می دهم.

مجید خسروانجم (کارتون نیست و ایده پرداز): نقاط قوت پلخمون، کمیک استریپ ها و مناجات طنز و ستون ورچه است. توصیه من به طنزنویس ها پرهیز از انتقال خشم به نثر طنز است. نمره من به پلخمون ۱۹ است.

محمود نظری (کارتون نیست): پیشنهاد من ایجاد تنوع و رعایت اصل غافل گیری در جلدهای پلخمون است. گاهی از کاریکاتورهای چهره در کنار متن در جلد پلخمون استفاده شود و یک ستون کاریکاتور آزاد هم اختصاص داده شود.

محسن فرهانی (طنزپرداز): از سایر قالب های طنز مثل نیازمندی های طنز و میم های فضای مجازی بیشتر در پلخمون استفاده شود. صفحه فضای مجازی پلخمون هم راه اندازی شود.

مجید عسگری (رئیس حوزه هنری خراسان رضوی): پلخمون اتفاق خوبی در خراسان رضوی است که می تواند به پرورش نیروهای با استعداد طنز نویسی کمک کند. حوزه هنری آمادگی دارد از طریق آموزش، برگزاری کارگاه، انتشار کتاب و کمک مالی در کنار طنزنویسان باشد.

کُخ تو کُخ

منصوره احمدی

اعضای هیئت دولت در جمع خبرنگاران



شما هنوز ما رو تهدید می کنید ممکنه توی پاییز و زمستون هم قطعی برق داشته باشیم، بعد به افغانستان و پاکستان برق صادر می کنیم قربان؟

البته که می کنیم جانم. این همسایه زبون بسته مون تازه اینستاگرام و فیسبوکشون فیلتر شده داغ دیدن، روا نیست برق هم نداشته باشن. باز شماها هزارمالا آداپته شدین!

مهمانان کوچک حرم مطهر رضوی



یا امام جون غلیب! این وام فلزنداولی مالو ندادن. این مامان من هی می گه کمتل بخول، شیرخشک گلونه. یا وجیها عندا... خودت جولش کن.

بریم بابا؟ آخه تو به الف بیچه چه راز و نیازی داری که تموم نمی شه؟

تجلیل از مدال آوران ورزش دانش آموزی



ورزش کنار درس خوبه جون، شنیدم میانگین معدل دانش آموزمون خیلی کمه، کافظمی، معدل امسال چند شد پسرم؟

مخلصیم! ۲، معدل ۲ شد آقا.

نه، چیزه ۲۰ شده لاید. این بیچه ها شنیدن صفر حذف شده از پول ملی، شوخی دارن، به صفر حذف می کنن بعد معدلشون رو می گن!

تجلیل از مدال آوران کشتی در مجلس



دوستان «فدریکا موگرتی» دیدین مگه؟! همچین کل ۲۸۶ نفرتون واستادین توی عکس که کشتی گیرا از کادر افتادن بیرون.

تو کارت نباشه، عکست رو بگیر من آشنا دارم، می دم عکس کشتی گیر رو یا دوبنده روی همین عکسمون فتوشاپ می کنه.

فکر کنین ما نیستیم!

به کوی میکده هر سالکی که ره دانست
دري دگر زدن اندیشه تبه دانست

زمانه افسر رندی نداد جز به کسی
که سرفرازی عالم در این کله دانست

بر آستانه میخانه هرکه یافت رهی
ز فیض جام می اسرار خانقه دانست

در بیت اول جناب حافظ اشاره داره به حذف چند صفر از پول ملی و می فرماید به کوی میکده یعنی در مدیریت اقتصاد، هر سالک یعنی هر رئیس جمهوری، این راه یعنی حذف چند صفر رو می دونست، و این رو هم می دونست که راه های دیگه مثل کوچیک کردن دولت و کم کردن بودجه برخی نهادها امکان پذیر نیست!

در بیت دوم هم جناب لسان الغیب اشاره داره به اون سخن گهربار رئیس جمهور که فکر کنین ما نیستیم! و ضمن تحسین، می فرماید الکی نیست یکی می شه رئیس جمهور! کلی دانش و علم و سیاست لازم داره! که ماشالا مال ما خیلی داره! در بیت آخر هم اشاره گذاری شده به لیگ فوتبال و می فرماید این مربیان سرخابی تازه دارن می فهمن چه خبره و چه کلاهی سرشون رفته و تازه اسرار براشون داره روشن می شه! و توصیه می کنه بهتره بذارین بمونن!



مدیر اتحادیه مرغداران: حباب قیمتی مرغ ۴۰ هزار تومان است.



صفحه ۲
۱۹ مهر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۰

ایستگاه های فضایی اطراف ما!

نیست. از بس توی یخچالمان انواع مختلف اطعمه و اشریه داریم، جا برای شانه تخم مرغ نداریم. بنابراین تخم مرغ را دانه دانه می خریم. می گذاریم توی جاتخم مرغی یخچال. بیایید در یخچال ما را باز کنید داخل جامپوه ای اش به زور آناناس و انبه و آووکادو و موز جا کرده ایم. داخل طبقاتش هم که از بس آب میوه ها و نوشیدنی های مختلف و جعبه های پیتزا را گذاشته ایم، جایی برای شانه تخم مرغ نمونده است!

تمشکی ترین پلخمون هفته:

می رسد به جف بزوس، بنیان گذار آمازون که دانش کمی دارد و گفته است: به زودی میلیون ها نفر در فضا زندگی خواهند کرد. از همین تریبون باید به ایشان عرض کنیم که همین الان هم توی فضاییم. کافی است یک توک پاییبی اینجا و قیمت های سوپری و میوه فروشی و لبنیاتی سر کوچه ما را ببینی. ضمناً حالا حالا هم فضا هستیم؛ به خصوص که مسئولی نیست که بخواهد فضا را عوض کند!



مسلط ترین وزیر هفته: هم زمان با زمزمه های استیضاح وزیر کار، معاون اجرایی رئیس جمهور گفت: «وزیر کار، بعد از یک سال به کارش مسلط شده است.» به نظر ما که بهتر است نمایندگان بی خیال این قضیه استیضاح شوند. چون بعید نیست وزیر بعدی به جای یک سال، پس از دو سال به کارش مسلط شود! حتی شاید پس از آن دو سال هم مسلط نشود و همان طور در حالت کارآموزی و (این صندلی من چطور تنظیم می شد؟) بماند!

«ملت رو چی فرض کردین» ترین سخن هفته:

گفته است: موضوع آماده سازی زیرساخت ها برای رفع فیلترینگ در حال پیگیری است. مگر این طور نیست که فیلتر کردن زیرساخت می خواهد، نه فیلتر برداشتن؟ این حرف دقیقاً مثل این است که بگوییم برای ورود به این خانه باید زیرساخت ها و ابزار شکستن در را آماده کنیم. در حالی که به راحتی می توان کلید را داخل قفل چرخاند تا در باز شود!

منطقی ترین دلیل هفته:

خبرگزاری ها نوشتند که خرید شانه ای تخم مرغ کم شده است و بیشتر مردم دانه ای تخم مرغ می خرند. بحث پولش

حذف چهار صفر از پول ملی تمهیدی است!

پس از بحثی عمیق و گفت و گویی برای پولمان شد چاره جویی مصوب شده که چون ماشین کهنه شود یک بار دیگر صفرشویی!

چه قربی داشت روزی ده تومانی و با آن پیش ترها، یک قرانی خدا را شکر با این فکر تازه به کل نابود شد فقر و گرانی

نماینده مجلس: وزارت بهداشت کشور، ارزش قیمتی مرغ را به دست می برد!

قوقولی قو، قوقولی قو، قوقولی! نکن کار بد و غیر اصولی مدیریت نکن در کار بنده نکن در بحث فامیلی فضولی

قدا قدقد قدا قدقد قدا! دوباره شدگران هر چیز، بی خود مدیریت شده تخم دوزرده چه وضع تخم مرغی بدی شد!

بررسی خیپلی کارشناسانه علت افت معدل دانش آموزان



دستشه و داره با فالورهای گلش حرف می زنه و براشون ادا درمی آره. می گه درس به چه دردم می خوره. می خوام نمی دونم چی چی فلوسر بشم. همینا چیه که از صبح تا شب توی اینستا می گن با من حاضر بشیم بریم مرده شورخونه و قبرستون و اینا. آخه این هم شد کار؟

یک مادر دانش آموز

الهی ذلیل... ببخشین یه لحظه کنترل رو از دست دادم. پیرم کرد این بچه. زبونم مو درآورد از بس بهش گفتم درس بخون تا مثل اون عمه هات نشی. ولی دائم گوش

در خبرها داشتیم سخنگوی کمیسیون آموزش مجلس گفته میانگین معدل دانش آموزان کشور بین ۹ تا ۱۲ و معدل در رشته های ریاضی ۹ تا ۱۰، تجربی ۱۰ تا ۱۱ و انسانی ۱۱ تا ۱۲ است. این موضوع در حد فاجعه ای مانند خشکی دریاچه ارومیه و ترک برداشتن میدان نقش جهان اصفهان و گوشت کیلویی یک میلیون تومان است. ولی به هر حال کار ما شوخی کردن با اخبار است. برای همین از چند نفر که با معدل دانش آموزان سروکار دارند، علت این افت و حشتناک را جویا شدیم.

نگاه می کردن. الان چی؟ خودم اون روز رستم بقالی، فروشنده به شاگردش گفت «مهندس قفسه پوشکا رو به آقا نشون بده.» شاگرده هم گفت «چشم آقای دکتر!»

یک پدر دانش آموز

زمانی درس و سواد و تحصیلات ارج و قرب داشت. مردم به تحصیل کرده ها با دیده احترام

ماکسیمیلیانوسه. امتحانا هم که دیگه نمره ای نیست و باید بهشون خوب و بد و زشت بدیم. دست و بال ما رو هم که بستن و دیگه نمی تونیم از خجالت شاگردای تنبل و درس نخون به طور مقتضی و فیزیکی دربیایم. خب معلومه معدلاشون افت می کنه دیگه.

یک معلم

افت معدل بچه ها دلایل مختلفی داره. سرکلاس که چرت دیشبشون رو می زنی. توی خونه هم که سرشون از توی گوشی در نمی آد. محتوای کتابا که مال عهد

مثلا مسافره های با کلاس تری سوار ماشینم می شن؟ یا کرایه بیشتری می دن؟ حیف جوونی تون نیست که برای درس خوندن تلف می کنین؟ فوقش بیاین پیش خودم یه دوره تحلیل مسائل کلان سیاسی و اجتماعی براتون برگزار می کنم تا قشنگ بتونین با مسافراتون بحث کنین و در طول روز حوصله تون سر نره.

یک راننده تاکسی

آقا درس رو بذار کنار. من اگه عقل الان رو داشتیم، اصلا دیپلم هم نمی گرفتم، چه برسه که برم کارشناسی ارشد بخونم. بذارین بچه ها زود بیفتن توی بازار کار. الان مثلا من درس خوندم، کار هست برام؟ یا فایده ای داشت؟

مجموع زوایای داخل مثلث چند کیلوئه؟ یا انتگرال این پرتقال فروش رو بگیر... خب چرا باید وقت باارزشمون رو بذاریم برای درس خوندن؟ همین رو بازی می کنیم و فیلمش رو می داریم یوتیوب، پول درمی آریم. ذهن و بدنمون هم قوی می شه. پس فردا توی خیابون یکی خفتمون کرد تا گوشی مون رو بگیره، می زنیم دهن مهن شو...!

یک دانش آموز

اصلا چرا باید درس بخونیم؟ اون هم این درسای به درد نخور و قدیمی رو. الان همه چی توی اینترنت هست. کافیه به هوش مصنوعی بگیم دلایل منقرض شدن سلسله قاجار چی بود؟ هنوز حرفمون تموم نشده، می گه فساد دربار و بی کفایتی اطرافیان. یا

صفحه ۴
۱۹ مهر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۰

متخصص شوید

شما کوهنورد تخصصی هستید. پیش بینی هوا یا توان بدنی موضوعی غیرورزشی است. شما کار خودتان را بکنید و باقی چیزها را به کارشناس امر خودش بسپارید. اگر در میانه طوفان گیر کردید، کافی است به شماره امداد زنگ بزنید؛ نجات با چرخ بال، بخشی از ماجراجویی شماست.

ترافیک را تبدیل به فرصت کنید

بیست برای افراد بی هیجان است. شما به عنوان یک اسکیت سوار حرفه ای، باید میان ماشین ها تعادل بیاموزید. اگر دستتان را به سپر خودرو گرفتید، لطفا تشکر نکنید. تمرین تمرکز است، نه ادب.

از زمین خاکی شروع کنید

برای یک فوتبالیست واقعی هیچ زمین چمنی، لذتی به اندازه شوت کردن توپ به در همسایه ندارد. اگر توپ به شیشه هم بخورد، نشانه دقت زیاد شوت شماست.

آیین نامه ورزش مؤثر بر اعصاب عمومی



فرهنگ شهروندی
فرزانه زینلی

قرعه‌کشی خودرو برای این مردم نازنین



نمی‌داشتیم. حیف از ما که برای چه ناسپاس‌هایی زحمت می‌کشیم.

خارتهای

پنجشنبه

با خانواده رفتیم کیش. چند هفته‌ای بود که سفر نبرده بودمشون، دلشون پوسیده بودگوشه خونه و باشگاه و مهمونی و بازار و کافه. گفتن نمی‌خوان برن ویلای شرکت، تکراری شده. بردمشون یه ویلای جدید که آقای مهندس خریده و یک کلیدش رو هم یواشکی داده به من. البته بهشون نگفتم که مال کیه. گفتم اجاره کردم. آدم باید برای خودش غارتنهایی داشته باشه که گاهی بهش سر بزنه و ریلکس کنه.

توهین به شعور

جمعه

با خبر شدم که بقیه اعضای هیئت مدیره هم کیش هستن. گفتیم چه بهتر! جلسه هیئت مدیره رو همین جا برگزار کردیم. اول جلسه گزارشی از ثبت نام‌ها ارائه شد که نسبت به دوره پیش رشد ۳۰ درصدی داشته. خدا رو واقعا شکر. بعد هم مسئول حسابداری مقدار ودیعه جمع شده رو اعلام کرد. به واحد بازرگانی نامه زدیم که فعلا چون متأسفانه قیمت دلار ثابت نیست، نمی‌شه لوازم و مواد اولیه خودرو وارد کرد. بهتره با این پول شمش طلا بخریم. بعدا که قیمت ثابت شد، اقدام به فروش اونا و ساخت خودرو می‌کنیم. قطعا به پاس خوش‌حسابی مردم عزیز هم بهشون سود ۴ درصد خواهیم داد. واقعا هرکی بگه ما به فکر سود جویی هستیم، به شعور خودش توهین کرده.

حیف از این مردم

روشنه

مقدمات قرعه‌کشی آماده شد. فقط مونده ساخت خودروها. چون پول نداریم، فعلا فقط قرعه رو می‌کشیم. بعد که پول گیرمون اومد، ایشالا باهاش خودرو هم می‌سازیم و می‌دیم به مردم صبور و دوست‌داشتنی. واقعا حیف این مردم عزیز که مسئولان قدرشون رو نمی‌دونن.

سه‌شنبه بالاتر از هر دردمند ممنوع

خدا رو شکر به محض باز شدن سایت، چند میلیون نفر ثبت نام کردن. واقعا مردم همیشه در صحنه و پای‌کاری داریم. سپاسگزار این مردم نازنین هستیم. نفری ۳۰۰ میلیون هم بیعانه ریختن. تقریباً می‌شه با این پول هزارتا خودرو بسازیم. البته به پاس زحمات این مردم و برای قدردانی ازشون، تصمیم گرفتیم بیشتر از ۵۰ درصد سود نگیریم از این عزیزان دل.

حیف از ما

چهارشنبه

یک عده رسانه معاند که کاری جز تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب ندارن، با ایجاد جو یاس و هراس، آب به آسیاب دشمن ریختن. می‌گن این یک کلاهبرداری و لاتاریه. واقعا متأسفم برای مملکتی که خبرنگارش این قدر کوردل و نادان که همچین تهمتایی می‌زنه. ما اگه قصد سود جویی داشتیم که به سود ۵۰ درصدی راضی نمی‌شدیم و آپشن آفتاب‌گیر روی محصولاتمون

ثبت نام مرحله جدید فروش ایران خودرو به پایان رسید و در این دوره تقریباً ۶ میلیون و ۵۰ هزار نفر برای خرید ۷۳ هزار خودرو ثبت نام کردند؛ رقابتی که شانس هر متقاضی در آن حدود یک درصد می‌شود. برویم براساس نوشته‌های دفتر یادداشت یک مدیر کارخانه خودروسازی تخیلی (باورکنین الکیه، شوخیه، باز پس فردا به جرم توهین به قشر مظلوم خودروسازانمون شکایت نکنین!) از پشت صحنه این لاتاری با خبر شویم.

امان از دلار

شنبه

این مدت که دلار داره بالا می‌ره، کار و کاسبی ما هم کساد شده. امروز توی مجمع خصوصی با هیئت مدیره صحبت کردیم، قرار شد یه پیش‌فروش برگزار کنیم، بلکه یه کم پول بپاد توی دست و بالمون. واقعا خدا به مردم رحم کنه.

خپ‌تخته

یکشنبه

حالا تا قرعه‌کشی رو برگزار کنیم، به بچه‌ها گفتیم که یه مقدار انبه و دمپایی لانگشتی و دسته‌کلنگ و مغز تخمه‌کدو با ارز دولتی وارد کنن و بازار آزاد بفروشن، بلکه دو قرون پول گیرمون بیاد. چند وقته حقوق کارگرا رو ندادیم. پاداش ماهانه مدیرا رو هم مجبور شدیم دو قسطه بدیم.



الهام‌بخش باشید

حتما عکسی از خود پس از تمرین منتشر کنید. صورت عرق کرده، لباس نم‌دار و کیشن «سخت ولی شدنی» نشانه تعهد است؛ هرچند فالوئرهای تریج می‌دهند این موفقیت را فقط تصور کنند.

گروهی ورزش کنید

در کوچه تور ببندید و با بچه محل‌ها تمرین کنید. با هر ضربه توپ، میزان هماهنگی دست و فریاد را بیازمایید. اگر توپ به عابری خورد، یعنی سرویس موفق بوده است.

در خانه ورزش کنید

اگر به باشگاه دسترسی ندارید، در خانه تمرین کنید. امکانش را برای خودتان شبیه‌سازی کنید. ورزش یعنی انرژی؛ و انرژی یعنی بلندترین میزان ولوم. همسایگان اگر بیدار شدند، شما الگوی تحرک صحیح‌گاهی شده‌اید.

خودتان را محدود نکنید

خیابان عرصه جولان شماست. حتی پیاده‌رو هم بخشی از مسیر است. اگر عابری در مسیرتان بود، زنگ بزنید تا بدود. سرعت شما تمرینی است برای سرعت او.

تاکنون مورد انسانی آنفلوآنزای مرغی در ایران مشاهده نشده است

با حذف ۴ صفر از پول ملی
صرفاً
عملی مقدار از فشار
ریاضی
از توانی بر جامعه کاسته
خواهد شد

حساب قیمت مرغ
اندازه بالون
۳۰ هزار تومان
شده است

معاون اجرایی رئیس جمهور:
وزیر کار بعد از یک سال به
نورگازی اتاق کارش مسلط شده است
وزیر آموزش و پرورش:
اجازه ندهیم حتی یک دانش آموز از
بار و چرخه آموزش محروم بماند
جلوبه درس دخترانه

ترامپ:
به زودی به جای لیموزین با
خاور میانه می روم
یا لیموزینی به صاف سفید

عضو سابق مجلس:
تقصیر گرانی و تورم را
به گردن برجام و ماشه
ما نیندازیم به
ما فخرمان
هم خیلی شالی ایم
از دواج
مرد ۱۱۹ ساله ایرانی
وزن ۸۳ ساله
با اجازه بزرگ ترهای این
دو نفر بر زار شد

پیرانه آرش آریایی

تفاوت واکنش فیفا به جنگ اوکراین و غزه



صفحه ۶
۱۹ مهر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۰

ناسوس فرشته شایان

ای آقا، مگه بقیه حق مأموریت دارن؟ الان به من باید حق خونه بدن! کلا توی مأموریتیم. اووو کی بشه به سر برم خونه ببینم بچه ها کلاس چندم شدن. بعدم به فودبلاگری ای. نماینده بیوتی ای، خدمت استایلی چیزی بزنین از بغلش دربارین دیگه. زشته به خدا. شما دیگه نال نزنین سر جدتون توی این پسامشه ای.



عراقچی

عه؟ لورفت؟ واقعا؟ لورفتن مگه فقط برای عکسای خصوصی و همسر یواشکی و اینا نبود؟! حالا اینارو ول کن، مگه اون آقاهه هست چشاش سبزه، سفیده، بوره، راننده هواپیماست، قالی می دوزه... همون. قالیباف. مگه به نماینده ها مشق هم می گه که پول دفتر باید بدن؟ آها، بعد پول خودکار رو می ده یعنی؟



خانم شیرزاد

بیگدلی، نماینده مجلس، در واکنش به لورفتن حقوق ۱۰۰ میلیونی نمایندگان: هزینه تعویض روغن و دفتر را باید از همین محل بدهیم. حق مأموریت واضافه کار هم نداریم. (خبر آنلاین)

وزدانا پول تعویض روغن رو جدا براتون نمی ریزن؟ ما اصلا به ردیف مزایا داریم توی فیش حقوقی، از حق آب رادیات و باد لاستیک گرفته تا حق استهلاک زیب شلوار و فرسودگی کفی صندل به خاطر لخت کشیدن کف سالن اداره رو باهامون جدا حساب می کنن. البته غصه نخور، با این حذف چار تا صفر از پول ملی که تصویب کردین، دیگه تعویض روغن و اینا رقمی نمی شه اصلا.



کارمند ساده (بدون کنجد)

صفرائی و سودایی

زندان‌ها که خوابیدند، زندانبان آمد جلو سلول تا ببیند زبان باز را دوباره انداخته‌اند زندان یا نه. دید بله، ولی خواب است. به آرامی صدایش زد: «آهای، بیدار شو. خوابیدی؟! باز برای چی گرفتنت؟» گفت: «ولم کن بابا، خسته شدم. مگه دست منه که دلار همه‌ش می‌ره بالا. من می‌خواهم، خودتون می‌دونین و مملکتون.» زندانبان گفت: «همینه دیگه. خوابی. ولی دلار شبانه روز بیداره. حتی برای فرداش هم برنامه داره! نشنیدی می‌گن دلار فردایی؟!» ریال گفت: «خب من چی کار کنم؟ هرچی کار می‌کنم، باز هم عقیم. دلار مشتری داره، ولی من ندارم. تازه ما زیادیم، هی هم ما رو می‌چاپن و زیادتر می‌شیم. همین توی زندان باشم، بهتره. کسی طلبکار نمی‌شه بیاد سراغم.» زندانبان گفت: «خب چرا دلار خوب کار می‌کنه، ولی تو نمی‌تونی؟» ریال گفت: «خب دستش بازه. آزادش گذاشتن. تازه می‌گن آزاد نیست، می‌خوان آزادش کنن! ولی من نه می‌تونم جنس خوب بخرم، نه می‌تونم خوب جنس بفروشم. خلاصه اسیرمون کردن. حالا هم می‌گن چارتا صرفت رو باید بدی تا آزادت کنیم.» زندانبان گفت: «چارتا صفر؟! اینکه همه سرمایه‌ته! ریال گفت: «همین رو بگو. باصفر و بی‌صفر، تومنی صنار فرقه‌شه. به‌ویژه من که بدنم صفرائی هم هست! برخلاف دلار که سوداگراییه!» زندانبان گفت: «خب نمی‌خوای از دلار شکایت کنی؟» ریال گفت: «شکایت چی؟ اینا ما رو دو قرون هم حساب نمی‌کنن.

ریا-لی حرف می‌زنن، ولی دلاری عمل می‌کنن!» زندانبان گفت: «خب بالآخره که چی؟» ریال گفت: «بالآخره که هیچی. یا این قدر توی این هلفدونی می‌مونم تا بیوسم و دیگه با چسب هم نشه چسبونند. یا می‌کشتم بالا.» زندانبان با خوش حالی گفت: «بکشن بالا که خوبه. دلار رو نگا کن چه جوری می‌کشن بالا. همه دلار-دار-ا، طلا-دار-ا، کالا-دار-ا و فامیل وابسته خوش حال می‌شن!» ریال گفت: «آشنا داشتی، زندان استخدام شدی؟! مرد حسابی بکشن بالا یعنی بالای چوبه دار.» زندانبان گفت: «یعنی فاتحه؟!» ریال گفت: «بعله، یعنی فاتحه. البته تا الان هم فاتحه مارو خوب خوردن.» زندانبان گفت: «سندی چیزی نمی‌شه گذاشت آوردت بیرون، بری دلار رو بکشی پایین؟ یعنی بکشی بالا؟ یعنی نمی‌دونم به جوری سربه‌نیستش کنی؟!» ریال گفت: «چرا. فقط راهش اینه که مردم بخوان، به جای صف دلار، بیان توی صف ریال. مشتری من هم بشن. با اسکناسای کاغذی من راحت می‌تونن همه چی تولید کنن. خونه و...» زندانبان گفت: «خب تو هم باید قول بدی کمتر چاپ و تکثیر! هر چیزی به اندازه‌ش!» ریال گفت: «مردم با من معامله کنن، قول می‌دم با فک و فامیل شاباش بشیم روی سر عروس داماداشون!» زندانبان در را باز کرد و گفت: «بیا حالا فعلا برو فک و فامیلات رو از توی بازار جمع کن تا با جریان نقدینگی خونه خرابمون نکردن، بعد مردم قدرت رو می‌دونن!»



صفحه ۷
۱۹ مهر ۱۴۰۴
شماره ۱۵۰

مدیرکل دفتر سلامت آموزش و پرورش:

«خانواده‌ها عرضه اقامت غیرمجاز یا فاقد برجسب استاندارد در بوفه‌های مدارس را اطلاع دهند.»

تاج:

به دلیل بی‌نیازی از VAR و سوسول بازی‌های مرتبط، تماشاچیان هرگونه خطا را که در تلویزیون دیدند، اطلاع دهند.

رئیس بانک مرکزی:

شهروندان هرگونه اختلاس با رقم بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان را اطلاع دهند.

وزیر ارتباطات:

کاربران هرگونه برخورد کوسه یا انگور کشتی با فایبر نوری اینترنت در اعماق دریا را اطلاع دهند.

رئیس سازمان هواپیمایی:

مسافران، خرابی حتی جزئی درسنسورهای اکسیژن هریک از موتورهای توربوفن را اطلاع دهند.

رئیس انجمن صنفی تولیدکنندگان روغن نباتی:

مردم هرگونه میزان بالای اسید چرب اشباع شده داخل روغن‌های خوراکی را اطلاع دهند.

استاندار خراسان رضوی: موافق تعطیلی پنجشنبه ها هستیم. فیتیله!

باسمه کردگار لیل و نهار
رب شعر و شعور و ضدشعار
بعد آن یک درود وی آی پی
به حضور جناب استاندار
مردی از سرزمین فیروزه
شهر خیام و حضرت عطار
پرتلاشی ز جنس اصلاحات
که تراشیده کله را صدبار!
بعد ابراز پاچه خواری ناب!
نکته ای را اکنون کنم اظهار
چون شما در فن کشاورزی
خبره آید و مهندسید، این بار...
با زبان شما سخن گویم
قبل آن، عذر خواهم از سرکار
خواستم تا بگویم اهل ادب
نیستند از رفاه برخوردار
گاه گویم که کاش می بودم
نه که شاعر، که یک چغندرکار
کاش می بود دست من الان
دسته بیل به جای یک خودکار!
یک نفر کاش گیرد این شعر و
بدهد جای آن دو دانه خیار
بگذریم از چنین سخن هایی
تا نگریده شعر من بودار
می کنم پس خلاصه عرض را
مانده یک نکته ای فقط انگار
جمله ای را شنیده ام بنده
از زبان شریف، در اخبار
اینکه گر پنجشنبه ها، تعطیل
بشود، خوب می شود انگار
آخر ای نازنین عالی قدر
این چه حرفی است کرده آید اظهار؟
تا زمانی که هست درکشور
ناترازی برق، بالاجبار...
نکند فرق، جمعه و شنبه
با یکی شنبه و دوشنبه برار!!
چون که با این روال تعطیل است
کل هفته، اداره و بازار
کل مردم فیتیله گویان اند
دانش آموز و شخص فرماندار
پس مخور غصه، کم کن این گفتار
و قنارنا عذاب النار

شوخی الیه آرایان

الهی!
تورا سپاس می گویم که با حذف چهار صفر از پول
ملی، مبلغ بدهی و اقساطمان به طرز چشمگیری
ناچیز می شود. سپاس. سپاس. سپاس.

پنجمه
ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سیدمیشم موسوی مهر
سردبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی
دبیر ضمیمه: ارزنگ حاتم
دبیر پانخمون: مجتبی نخعی راد
صفحه آرای: ساعد عاشوری
پیمابک: ۳۰۰۷۲۸۹
دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir

داستان مشق شب

قدیم (مدارس دولتی)

اگه تا صبح پنج بار خط درجفت از
روی شاهنامه ننویسم، با خطکش
تنبیهم می کنن!

مقدمه: از ما که گذشت و مشقامون رو به هر ضرب و زور و بدبختی و آرتروزی بود نوشتیم!
ولی تازه بعد این همه سال معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش بادش افتاده
بگه: معلمان از دادن تکالیف طولانی و خسته کننده به دانش آموزان ابتدایی پرهیز
کنند. هی. اون موقع که ما انگشتامون تاول و پینه می زد کجا بودی مرد؟ خدا به سر
شاهده هنوز انگشت وسطی م کجه! بریم ببینیم داستان مشق شب چطور یاست.

ما تو مکتب خونه اگه صد بار نمی نوشتیم
و حفظ نمی شدیم، فلک می شدیم! دوره
شما همه ش سوسول بازی شده والا.

وا! تو به این خط خطیا می گی نقاشی؟ برو عکس
تکالیف بچه ها رو توی کانال کلاسی شون ببین!
می خوای بچه رو خوار و خفیف کنی؟

مدارس المپیادی

تازکیا (مدارس غیرانتفاعی)

به اندازه کافی
خوب شد به نظرت؟

انجستین



ساعت خواب! تموم شد بچه جان. باید اسم
بنویسی، توی نوبت باشی، شانس یاری توی
قرعه کشی اسمت درآد. راستی! به معلمتون
سلام مخصوص من رو برسون!



معلم مدارس پرمشق: نتیجه نهایی بعد این همه مشق:

شما دانش آموز خودم بودی، درست؟ دیدی
چقدر این مشق نوشتن توی موفقیت آینده ت
اثر داشت؟

تا من دارم از کوه مشقاتون صعود می کنم،
نبینم کسی بیکار نشسته باشه. بشینین
عین بچه آدم مشقاتون رو بنویسین!

